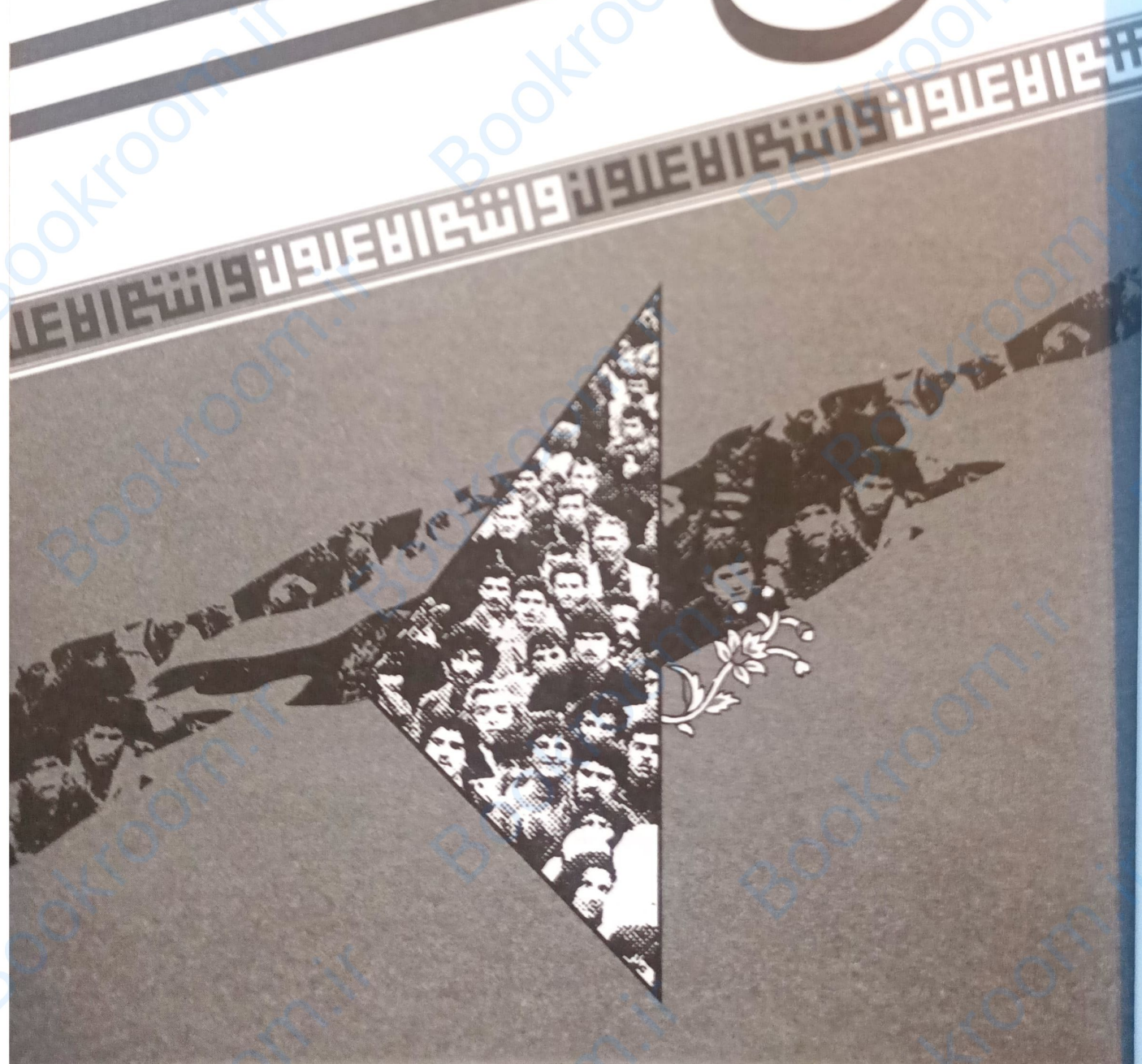


و اندیشه ها

نارنج خرمه ایران

دکتر موسی نجفی، دکتر موسی حقانی



فهرست

۷	مقدمه
۱۱	۱. تولد دوباره ایران در سایه ی تشیع
۲۳	۲. تحولات سیاسی ایران از صفویه تا قاجاریه
۳۵	۳. از تأسیس قاجاریه تا پایان سلطنت فتحعلی شاه
۴۵	۴. جنگ های ایران و روس و پیامدهای تلخ آن
۵۷	۵. اوضاع ایران از عهدنامه ترکمانچای تا انقلاب مشروطه
۷۳	۶. نوگرایی در عصر قاجار
۸۱	۷. امتیازها و قراردادهای استعماری در دوره قاجار
۹۹	۸. ملاک خدمت و خیانت بر اساس موازنه مثبت و منفی در تاریخ تحولات ایران

۹. نهضت تحریم تنباکو و اعلاّی کلمه ملت ۱۱۵
۱۰. نهضت مشروطیت ایران (از مقدمات تا به توپ بستن مجلس) ۱۳۱
۱۱. تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در عصر مشروطه ۱۵۱
۱۲. جریان شناسی عصر مشروطیت ایران ۱۶۳
۱۳. فراماسونری و انجمن های مخفی در ایران ۱۷۹
۱۴. ایران از جنگ جهانی اول تا کودتا ۱۹۳
۱۵. پادشاهی یک قزاق (از کودتای ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰) ۲۰۵
۱۶. مسائل فرهنگی اجتماعی دوره پهلوی اول ۲۲۱
۱۷. از اشغال ایران تا خروج متفقین ۲۳۷
۱۸. فراز و فرود از نهضت ملی شدن نفت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۲۵۱
۱۹. نهضت پانزده خرداد ۴۲ و طلّیعه عصر جدید ۲۶۷
۲۰. طلوع انقلاب اسلامی و افول حکومت پهلوی ۲۸۳
- منابع و مآخذ ۲۹۵
- منابع و متون خارجی ترجمه شده ۳۰۲

مقدمه



بسم الله الرحمن الرحيم

با درود و سلام و صلوات بر پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) و بر عترت پاک و بزرگوارشان.

کتاب «تاریخ معاصر ایران» به وقایع اصلی و مهم تاریخ پنج قرن اخیر ایران توجه نموده است و سعی دارد تاریخ نقلی و تاریخ تحلیلی را با افق تاریخ فکر و اندیشه توأمان نگاه کند.

از نویسندگان کتاب، کتاب تحقیقی تر و از نظر ارائه مطالب و مدارک، علمی تری به نام «تاریخ تحولات سیاسی ایران» به چاپ رسیده است که با استقبال خوبی از سوی محافل دانشگاهی و پژوهشی کشور روبرو شده است. کتاب حاضر را می توان سطح ساده تر و اجمالی و گام نخست کتاب مذکور تلقی نمود.

سعی ما در نگارش این کتاب بر این نکته متمرکز بوده است که راهی هر چند کوتاه بر عمق تاریخ قرون اخیر ایران زده و مسائل را در این نقب فکری - تاریخی مورد بررسی قرار دهیم. مشکل بزرگ در فهم تاریخ ایران این است که تحلیلی کلی و نگاهی که بتواند نسبت ها و ارزش ها و شاخص ها را با هم بسنجد کمتر وجود دارد و

این اثر سعی نموده مروری کلی بر این مهم داشته باشد. امید است با تأمل و تفکر بعد از مطالعه در این اثر، خوانندگان بتوانند به فضای حاکم بر شناخت کلی تاریخ ایران و مسائل مهم آن نائل آیند و برای فهم و درک مسائل عمیق تر و پیچیده تر تاریخ گذشته که کلید شناخت جریان شناسی معاصر است، آماده تر شوند. اگر این اتفاق در میزان قابل قبولی از فهم و بصیرت تاریخی حاصل گردد این مقدمه فهم و بصیرت بالاتر می تواند باشد انشاء الله.

موسی نجفی - موسی فقیه حقانی

۱

تولد دوباره ایران

درسایه تشیع

ایران سرزمینی است با پیشینه‌ای کهن و درخشان. حضور قدرتمند و تاثیرگذار ایرانیان در تحولات عصر باستان حاکی از عظمت و موقعیت ویژه کشور ما در آن شرایط زمانی است. اهمیت موقعیت ایران شرایطی را رقم زده بود که انزوای ساکنان آن را در عرصه جهانی و منطقه‌ای غیرممکن ساخته بود. همین امر باعث شد که جامعه ایرانی در کوران حوادث آبدیده شود و استقلال و هویت خود را علیرغم فراز و نشیب‌های فراوان تاریخی حفظ نماید. پذیرش آیین نجات بخش اسلام عرصه گسترده‌ای را پیش روی استعداد ایرانی گشود و به آن غنایی معنوی بخشید. شکوفایی نبوغ ایرانی خیلی زود آنان را به عنوان تاثیرگذارترین عضو جهان اسلامی مطرح کرد. با گذشت زمان و علیرغم فاصله گرفتن حکومت‌های اموی و عباسی از اصول اصیل اسلامی، خدمات ایرانیان به جهان اسلام ادامه یافت. تهاجم گسترده مغول و تیمور به ایران، توان ایران اسلامی را فرسوده کرد و هرج و مرج و پراکندگی قدرت در عصر جانشینان تیمور، ایران را بر سر دو راهی مرگ و حیات قرار داد. در چنین شرایطی ظهور دولت صفوی، ایران را آماده پذیرش تحولی بزرگ کرده بود. هنگامی که انحطاط، ناامنی، ضعف و سستی حکومت‌ها را دربر می‌گیرد، بنا به

تجربه تاریخی دو سرنوشت متفاوت فراروی ملت‌ها قرار می‌گیرد؛ یکی نابودی و اضمحلال و حل شدن در ملل بزرگ‌تر و دیگری، استفاده از عناصر تحول‌زا در فرهنگ و اندیشه آن ملت برای ادامه حیات مجدد. ایرانیان با بسته شدن تمام راه‌ها، ناگهان در جهشی شگفت‌انگیز با رجوع به عمیق‌ترین و اصیل‌ترین لایه اسلام - یعنی تشیع - تولدی دوباره یافتند و به حیات خود ادامه دادند.

پایه‌گذاران و زمینه‌های ظهور صفویه

در سال ۹۰۵ ق. اسماعیل صفوی - که بعدها شاه اسماعیل نامیده شد - با تکیه بر پیشینه معنوی و سیاسی خاندان خود که از حدود دویست سال قبل در بخش‌هایی از ایران و مناطق هم‌جوار ریشه دوانده بود، قیام کرد. وی با تاسیس سلسله صفوی، ایران را به مرحله‌ای مهم و تاریخ‌ساز هدایت نمود. شاه اسماعیل با اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب اصلی ایران باعث تشکیل یک دولت ملی فراگیر و پایدار شد و فصل جدیدی را در تاریخ این سرزمین کهن سال گشود.

اگرچه شاه اسماعیل پایه‌گذار سلسله صفویه در ایران است ولی اقتدار و نفوذ معنوی و سیاسی این سلسله را باید از زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بررسی کرد. شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سال ۶۵۰ ق. در قریه کلخوران اردبیل متولد شد. او به مدت بیست و پنج سال در محضر مرشد خود شیخ زاهد گیلانی کسب فیض و شاگردی کرد و بعد از آن دوباره به اردبیل بازگشت و به کرسی مرشدی و رهبری مردم نشست.

از زمان مرشدی و رهبری شیخ صفی (حدود سال ۷۰۰ ق.) تا دوران قیام اسماعیل صفوی و تاسیس سلسله صفوی، چند تن از فرزندان و نوادگان وی به عنوان رهبران معنوی، مذهبی و سیاسی در مناطق وسیعی از سرزمین ایران حکومت کردند. این رابطه معنوی، یکی از پشتوانه‌های عظیم صفویان در کسب قدرت سیاسی و ایجاد وحدت ملی و انسجام فرهنگی ایران در آینده شد. نیای شاه اسماعیل عبارت بودند

از: شیخ صفی، شیخ صدرالدین، خواجه علی سیاه‌پوش، شیخ ابراهیم، شیخ جنید، شیخ حیدر.

ایران در آستانه تشکیل دولت صفوی

قیام صفویان در شرایطی صورت گرفت که کشور پس از دوران حکومت ایلخانان مغول و تیموریان، از جنبه‌های داخلی دوباره گرفتار هرج و مرج سیاسی و نابسامانی شده بود و در گوشه و کنار آن، هر صاحب قدرتی ادعای حکومت و فرمانروایی داشت. در این شرایط، خاندان صفوی بعد از چند دهه حضور فعال سیاسی و حرکت فرهنگی و اجتماعی زمام امور ایران را در دست گرفت. از نیمه دوم قرن نهم، شیخ جنید و شیخ حیدر که از نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بودند. قصد داشتند که در سایه تشیع به قدرت سیاسی دست یابند اما به علت بروز موانع به مقصود نهایی نرسیدند. تنها شاه اسماعیل توانست با از بین بردن حکومت‌های ملوک‌الطوایفی در ایران، حکومت مرکزی واحدی را تشکیل دهد و امور سیاسی و مذهبی را انتظام بخشد. او به کمک مریدان و با بهره‌گیری از توان نظامی ایلات و عشایر قزلباش^۱، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مناسبی را برای تاسیس یک دولت ملی در این سرزمین فراهم کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در دهه‌های قبل و در آستانه تشکیل دولت صفوی را می‌توان در قالب محورهای زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱. عدم وحدت و انسجام ملی و نگرانی از این اوضاع.
۲. نابه‌سامانی سیاسی و عدم وجود یک حکومت مرکزی برای برقراری نظم و امنیت.

۱. قزلباش به معنی سرخ کلاه است و مشخصه اصلی مریدان و پیروان صفویان بوده است. این کلاه، شامل ۱۲ ترک به نشانه ارادت به دوازده امام و تعلق آن‌ها به تشیع اثنی‌عشری بوده است. ایلات عمده قزلباش شامل: استاجلو، شاملو، افشار، روملو، ذوالقدر، تکه‌لو و قاجاراند.